

بررسی ارتباط میان ویژگی‌های قومی - فرهنگی و شاخص‌های ذهنی

کیفیت زندگی در نواحی روستایی

مطالعه موردی: دهستان جعفربای جنوبی شهرستان ترکمن

عبدالمجید قرنجیک *، سید علی بدری **

1390/11/14

تاریخ دریافت مقاله:

1392/10/03

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

بررسی کیفیت زندگی از ابعاد و دیدگاه‌های گوناگون، از اهداف مهم دست‌اندرکاران آن در حوزه‌های مختلف دانش و اجرا در سال‌های اخیر بوده است. این امر اهمیت توجه و ضرورت مطالعه در این حوزه را نشان می‌دهد. یکی از ابعاد مهم کیفیت زندگی، بعد شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی است که ارتباط تنگاتنگی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع دارد. کیفیت زندگی از این منظر به ویژه در نواحی روستایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و با بهره‌گیری از شیوه پیمایشی به بررسی ارتباط میان ویژگی‌های قومی - فرهنگی و شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی در میان روستائیان ساکن در ناحیه روستایی دهستان جعفربای جنوبی شهرستان ترکمن می‌پردازد. تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از مطالعه میدانی و تکمیل پرسشنامه که با استفاده از آزمون‌های آماری شامل آزمون T تک نمونه‌ای، میانگین، همبستگی پیرسون، کای اسکور و میانگین به کمک نرم‌افزار SPSS نشان می‌دهد که به رغم پایین بودن نسبی وضعیت معیشت و برخورداری از امکانات، وجود فرهنگ سنتی قوم ترکمن با ویژگی‌های خاص اجتماعی، مذهبی و معیشتی و علقه و وابستگی به مکان آباء و اجدادی و نیز ویژگی‌های درون‌گرایی و انزواطلبی، این کمبودها را کمرنگ‌تر می‌کند. از این‌رو سطح کیفیت زندگی از نظر شاخص‌های ذهنی در این ناحیه بالا بوده و رابطه معناداری با ویژگی‌های قومی - فرهنگی مردم آن دارد. بنابراین می‌توان گفت به لحاظ پایداری اجتماع محلی مورد مطالعه به ویژگی‌های قومی - فرهنگی، میزان رضایت مردم از سطح کیفیت زندگی در شاخص‌های ذهنی بالاتر است.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، شاخص‌های ذهنی، ویژگی‌های قومی - فرهنگی، شهرستان ترکمن، دهستان جعفربای جنوبی.

* دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی.

** دانشیار دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران. sabadri@ut.ac.ir

مقدمه

بررسی کیفیت زندگی از اهداف مهم دست‌اندرکاران بوده و با توجه به گستردگی این مفهوم مورد توجه بسیاری از رشته‌های علوم مختلف قرار گرفته است. از این رو، بهبود رفاه و آسایش به‌عنوان هدف توسعه، وابسته به شناخت هر چه بیشتر عوامل موثر بر کیفیت زندگی انسان است. بر این اساس، شروع جدی این بحث به دهه 1960 بازمی‌گردد. زمانی که مشخص شد رشد و توسعه اقتصادی لزوماً منجر به بهبود کیفیت زندگی مردم نمی‌شود (احمدی، 1388، 33).

توجه به این موضوع در کشور ما از منظر مکانی، عمدتاً در حوزه‌های شهری بوده و کمتر مربوط به حوزه‌های روستایی بوده است. ولی با توجه به اهمیت سکونتگاه‌های روستایی و بالطبع اهمیت مطالعات در این حوزه، ضروری است تا مطالعات بیشتری در این زمینه صورت گیرد. با مروری بر پیشینه مطالعات صورت گرفته در حوزه کیفیت زندگی، این ضرورت مشخص‌تر خواهد شد (جدول 1).

با توجه به این موضوع، در این تحقیق به بررسی در نواحی روستایی دهستان جعفریای جنوبی شهرستان ترکمن پرداخته‌ایم که دارای ویژگی‌های خاص خود به لحاظ قومی - فرهنگی هستند. مطالعات علمی اندکی در مورد این ناحیه به‌ویژه در بحث کیفیت زندگی انجام گرفته است. بررسی‌های آماری و مشاهدات صورت گرفته از ناحیه نشان از سطح نه‌چندان بالای کیفیت زندگی (به‌ویژه به لحاظ اقتصادی) دارد (که از جمله می‌توان رتبه بسیار پایین ناحیه در شاخص اشتغال را نمونه‌ای از این امر دانست)، اما با توجه به تأثیرگذاری معیارهای ذهنی در میزان رضایت مردم از کیفیت زندگی و اینکه قومیتی خاص در این منطقه ساکن است که ویژگی‌های خاص اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و

معیشتی خود را دارد که گاه آن را از سایر مناطق کشور جدا می‌کند، مطالعه موضوع به شیوه علمی ضرورت می‌یابد. به ویژه اینکه به نظر می‌رسد که مجموع این ویژگی‌ها و خصلت‌ها بر کیفیت زندگی و بالاخص شاخص‌های ذهنی آن اثرات محسوسی داشته باشد. به این علت بخشی از این جامعه محلی به عنوان محدوده مطالعه این تحقیق انتخاب شده است و بدین ترتیب با هدف بررسی ارتباط میان ویژگی‌های قومی - فرهنگی و شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی در نواحی روستایی دهستان «جعفریای جنوبی» شهرستان ترکمن به مطالعه می‌پردازیم. این که آیا بین کیفیت زندگی از نظر شاخص‌های ذهنی و ویژگی‌های خاص قومی - فرهنگی در ناحیه مورد مطالعه، رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ به‌عنوان سؤال اصلی تحقیق مطرح می‌شود. بر این اساس، ابتدا به مطالعه اصول و مبانی نظری موضوع پرداخته و سپس ناحیه موردنظر بررسی می‌شود.

مبانی نظری

از لحاظ تاریخی اولین تلاش‌ها برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی از جنبش شاخص‌های اجتماعی نشأت گرفته است (Biderman, 1974:27)، اواخر دهه 1960م به‌طور رسمی آغاز جنبش شاخص‌های اجتماعی بود (اونق، 1384، 2). بعد از دهه 1960 مطالعات علمی نشان داد که رابطه بین پیشرفت اقتصادی و کیفیت زندگی، رابطه‌ای خطی نیست (Das, 2008, 298) به نقل از احمدی، 1388، 33). در این دهه عموم مردم به‌طور فزاینده‌ای از هزینه‌های اجتماعی و خسارات محیطی رشد اقتصادی آگاه شدند و محققان دریافتند که رشد فزاینده تولید ناخالص داخلی نمی‌تواند به‌طور مستمر کیفیت زندگی مردم را بهبود بخشد (رضوانی و همکاران، 1387، 36).

عنوان	محققین	هدف	یافته ها
ارتقای روستا به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی؛ مورد: روستا شهر صاحب، شهرستان سقز	فاطمه احمدی	نقش تبدیل روستا به شهر در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی، با استفاده از شاخص‌هایی مانند کیفیت محیط، مسکن، آموزش، سلامت، مشارکت، کار، فراغت، بهزیستی فردی، درآمد و ثروت	نتایج به‌دست آمده از این تحقیق نشان داد که ارتقای روستا به شهر توانسته باعث بهبود در کیفیت محیط فیزیکی، وضعیت مسکن، بهزیستی فردی، مشارکت و درآمد و ثروت ساکنان شود اما نتوانسته بهبودی در وضعیت سلامت، آموزش، اوقات فراغت، اطلاعات و ارتباطات و کار ایجاد کند. بنابراین نتیجه گرفته‌است که ارتقای روستا به شهر نتوانسته بهبود نسبی در کیفیت زندگی ساکنان این شهر ایجاد کند.
سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی	محمد رضارضوانی حسین منصوریان	ارائه مدل سنجش کیفیت زندگی برای نواحی روستایی	نیازها و ارجحیت‌های آن‌ها تا حدود زیادی تابع ارزش‌ها و هنجارهایی است که انسان‌ها از محیط و هر جامعه خاص دریافت می‌کنند؛ بنابراین، در مدل پیشنهادی، کیفیت زندگی در حکم یک سازه چندبعدی برآمده از ارزشیابی نیازهای گوناگون در نظر گرفته شده و همچنین، فرض بر این بوده که هر نیاز تأثیری متفاوت بر کیفیت کلی زندگی دارد؛ یعنی، هر نیاز دارای سهم نسبی در کیفیت زندگی است که به‌عنوان وزن سهم در کیفیت کلی زندگی دارای اهمیت است. از این‌رو، کیفیت زندگی در هر زمان تابعی از اهمیت نیازها برای هر فرد یا گروه بر حسب سهم نسبی آن در بهزیستی ذهنی فرد و میزان برآورده شدن نیازهای انسانی فرض شده است.
بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس	سیدمسعود ماجدی عبدالعلی لهسایی‌زاده	طراحی مدل ارزیابی تأثیر متغیرهای جمعیتی، اقتصادی - اجتماعی، شخصیتی و سرمایه اجتماعی در دو شکل شناختی و ساختاری بر رضایت از کیفیت زندگی	هر چه حمایت و در دسترس گذاشتن خدمات در یک جامعه بیشتر باشد از طریق ایجاد ساختارهایی که در گذشته ایجاد شده و میزان تفاوت‌ها کمتر شده باشد، این بخش سرمایه اجتماعی می‌تواند به همان اندازه در میزان رضایت مردم از کیفیت زندگی مؤثر باشد. همچنین نوع روستا که بیان‌گر ویژگی‌های روستاها به لحاظ امکانات توسعه است و درآمد ماهیانه بر میزان رضایت از کیفیت زندگی مؤثرند.
سنجش میزان رضایت‌مندی ساکنان روستایی از کیفیت زندگی و اثرات آن بر امنیت مناطق مرزی؛ مورد: بخش نوسود استان کرمانشاه	محمدباقر قالیباف و همکاران	بررسی اثرگذاری شاخص‌های مرتبط با کیفیت زندگی بر امنیت مناطق مرزی	نتایج تحقیق نشان می‌دهد به‌طور کلی ساکنین مناطق مرزی با توجه به این‌که در مناطق حاشیه‌ای یعنی مرزها استقرار یافته‌اند از شاخص‌های منتخب و مرتبط با کیفیت زندگی رضایت چندانی ندارند. یافته‌های نهایی حاکی از آن است که 7 متغیر کلان که خود از زیر متغیرهایی تشکیل شده است به‌عنوان متغیر مستقل انتخاب شدند تا تأثیر آنها بر متغیر وابسته مورد تحلیل قرار گیرد که از بین این 7 متغیر، سه متغیر کیفیت فیزیکی و کالبدی، کیفیت محیطی و کیفیت گذران اوقات فراغت بر امنیت مناطق مرزی تأثیر داشته‌اند. تأثیر این متغیرها بر امنیت، نشان می‌دهد که به توان‌های خود منطقه مربوط می‌شود و متغیرهایی مانند توسعه زیرساخت‌ها و کیفیت سلامت که رابطه مستقیمی با عملکرد دولت دارند، تأثیر مستقیم در برقراری امنیت نداشته‌اند.
بررسی اندازه‌گیری عملکرد توسعه اقتصادی و کیفیت زندگی در مناطق روستایی ایندیانا	لین شارکی	شناسایی و ارزیابی عملکرد توسعه اقتصادی در نواحی روستایی ایندیانا	محقق به بررسی و تجزیه و تحلیل مزایا و معایب دوازده نوع عملکرد در زمینه سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل روستایی پرداخته و همچنین با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح شهرستان، کیفیت زندگی در رابطه با این موضوع را مطالعه کرده‌است. در نهایت این مطالعه به عنوان کمکی برای تعیین عوامل مکمل توسعه اقتصادی در این ناحیه روستایی است.
رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در بین روستائیان ترنگانو - نیجریه	عبدالحکیم اسلامی	بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی اجتماعی	نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین میزان سرمایه اجتماعی ساکنین و میزان کیفیت زندگی آنها رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و بهبود در سرمایه اجتماعی در اجتماعی محلی، به بهبود کیفیت زندگی ایشان، منجر خواهد گردید.
بهره‌گیری از زمان و کیفیت زندگی در بین فقرا روستایی کره	چو و همکاران	بررسی تطبیقی کیفیت زندگی فقرا روستایی کره جنوبی با دیگر روستائیان و شهرنشینان	یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوهای بهره‌گیری از زمان و اختصاص زمان به مقاصد مختلف، عناصر تعیین‌کننده‌ای در تعیین کیفیت زندگی افراد هستند. افزایش اوقات فراغت عموماً منجر به بالارفتن کیفیت زندگی می‌گردد؛ گرچه این موضوع همیشه صادق نمی‌کند. از آنجایی که میزان ساعات کار تعیین‌کننده مستقیم میزان درآمد است، کاهش زمان کار تأثیر منفی بر روی میزان درآمد دارد و غالباً منجر به کیفیت پایین‌تر زندگی می‌گردد. از این رو، بین افراد پیر و فقیر، افزایش اوقات فراغت منجر به افزایش رضایت از زندگی نمی‌گردد.
کیفیت زندگی اجتماعی در بین ساکنان نواحی روستایی: یک مدل یکپارچه	اس. اوه و سی. سی. کوک	بررسی رابطه بین رضایت از کیفیت مسکن، پیوستگی اجتماعی و رضایت اجتماعی و مکانیسم‌های پیچیده پیش‌بینی رضایت اجتماعی در بین ساکنان نواحی روستایی	نتایج این مطالعه نشان‌دهنده نقش مؤثر پیوستگی اجتماعی و رضایت از مسکن در پیش‌بینی رضایت اجتماعی است. همچنین سرمایه اجتماعی به‌طور مستقیم بر روی پیوستگی و رضایت اجتماعی و به‌طور غیرمستقیم بر روی رضایت از مسکن تأثیرگذار است.

ج 1. برخی از تحقیقات انجام شده در مورد کیفیت زندگی در نواحی روستایی.

مأخذ: نگارنده‌گان با استفاده از منابع مختلف

با وجود اینکه بحث کیفیت زندگی موضوع اصلی بسیاری از تحقیقات در رشته‌های مختلف بوده، ارائه یک تعریف جامع و یکسان برای آن تاکنون میسر نشده است. یکی از عوامل اصلی این عدم موفقیت، چندوجهی بودن مفهوم این موضوع است (احمدی، 1388، 33). اینکه کیفیت زندگی را چگونه تعریف می‌کنند، خود بستگی به این دارد که مردم در کجا زندگی می‌کنند، چکار می‌کنند و اینکه چه منشأ نژادی و فرهنگی دارند. اندازه‌گیری و سنجش کمی کیفیت زندگی خود نیز بین ملل و جوامع مختلف با توجه به شرایط زندگی، نظام ارزشی و مجموعاً فرهنگ‌های مختلف آن‌ها کاری بس مشکل می‌نماید (مختاری و نظری، 1389، 123).

با توجه به تعاریف متعددی که از کیفیت زندگی ارائه شده است (خوارزمی، 1383، 24) و عدم وجود تعریفی واحد برای این مفهوم لازم است تا تعریفی که در راستای موضوع تحقیق باشد ارائه شود. در این راستا به نظر می‌رسد که تعریف زیر از کیفیت زندگی بیش از سایر تعاریف در بیان این امر گویاتر باشد: «کیفیت زندگی ضمن دارا بودن ابعاد عینی و وابستگی به شرایط عینی و بیرونی، امری است ذهنی و درونی و متصور و در نهایت به تصورات و ادراک فرد از واقعیت‌های زندگی بستگی دارد» (همان).

تشخیص علایق زندگی و چگونگی روابط بین آن‌ها، که می‌تواند برای پیش بینی احساس مردم نسبت به کیفیت زندگی‌شان مورد استفاده قرار گیرد، باید در چارچوب یک مدل فکری صورت گیرد. مدل‌های ساختاری گوناگونی برای تشریح این موضوع که چگونه افراد قلمروهای مختلف رضایتمندی را برای یک احساس کلی از کیفیت زندگی با هم ترکیب می‌کنند، پیشنهاد شده است (کوچکی‌نژاد، 1389، 78).

شفر و همکارانش در سال 2000 مدلی را برای تبیین مفهوم کیفیت زندگی ارائه دادند. مدل آن‌ها بر سه قلمرو اجتماع، محیط و اقتصاد تأکید دارد. تعیین صریح

قلمروها و ارائه تصویری از ارتباط متقابل مفاهیم زیست‌پذیری، کیفیت زندگی و پایداری مزیتی برای این مدل است (Shafer et. Al., 2000) به نقل از Van Kamp & et. al., 2003, 11).

امروزه بین دو نوع کاملاً مجزا از شاخص‌ها برای سنجش کیفیت زندگی توافق نظر نسبی وجود دارد؛ شاخص‌های رویکرد ذهنی و شاخص‌های رویکرد عینی. **رویکرد ذهنی:** شاخص‌های رویکرد ذهنی برای توصیف شیوه‌هایی که مردم اوضاع اطراف‌شان را درک و ارزیابی می‌کنند (مثل رضایت از شغل)، طراحی شده‌اند (احمدی، 1388، 36). این شاخص‌ها براساس پاسخ‌های روانی همچون رضایت شغلی اندازه‌گیری می‌گردد (رضوانی و منصوریان، 1387، 6). این دسته براساس چگونگی درک و توصیف مردم از وضع خود استوار می‌باشد (احمدی، 1388، 40 و 41).

کیفیت زندگی در بعد ذهنی، به داشتن استقلال عمل در افزایش رفاه ذهنی شامل لذت‌جویی، رضایت‌مندی، هدف‌داری در زندگی و رشد شخصی رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی اجتماعی و مشارکت گسترده در فعالیت‌های اجتماعی اشاره می‌کند (غفاری و امیدی، 1387، 13).

بعد ذهنی شامل ادراکات و ارزشیابی‌های افراد از وضعیت زندگی‌شان می‌باشد (رضوانی و همکاران، 1387، 37). جنبه‌های ذهنی بر تجارب خوشایند و بدآیند زندگی فردی و حتی جمعی مانند سرخوردگی، احساس بیگانگی از جامعه و از خویش‌ستن خویش، احساس رضایت از زندگی، اشتیاق‌های آدمی و ادراکات انسانی دلالت دارد (اشرف، 1380، 57).

رویکرد عینی: شاخص‌های رویکرد عینی شاخصهایی هستند که سعی بر توصیف محیط‌های فیزیکی و اجتماعی دارند که مردم در آن‌ها زندگی و کار

بدین گونه می توان گفت که کیفیت زندگی هم جنبه های عینی-کمی مانند دسترسی به امکانات و فرصت ها و هم جنبه های ذهنی-کیفی مانند روابط اجتماعی، رضایت از زندگی، مشارکت و احساس همبستگی اجتماعی را دربر می گیرد. اگرچه ممکن است همبستگی میان این ابعاد چندان روشن نباشد چرا که رابطه میان شرایط عینی جامعه با چگونگی ارزیابی آن از سوی افراد جامعه به دلیل عدم وجود رابطه خطی بین پدیده های اجتماعی از پیچیدگی های جامعه شناسی است. اگر میزان انتظارات مردم با سرعت بیشتری از شرایط عینی زندگی رشد کند، ممکن است میزان رضایت آنان از زندگی شان را نیز کاهش دهد (حسن زاده، 1387، 9).

در دیدگاهی دیگر، رویکردهای کیفیت زندگی به گونه دیگری دسته بندی می شوند. بنابر بررسی های فاهیه² (2004) امروزه می توان سه رویکرد عمده به کیفیت زندگی را شناسایی کرد: رویکرد اول معتقد است که کیفیت زندگی به شرایط افراد مربوط می باشد (نگرش خردنگر به کیفیت زندگی).

رویکرد دوم کیفیت زندگی را یک مفهوم چند بعدی می داند. این نگرش به توصیف حوزه های چندگانه کیفیت زندگی و همچنین تأثیر متقابل این حوزه در یکدیگر می پردازد.

سومین رویکرد نیز معتقد است که کیفیت زندگی با دو شاخص عینی و ذهنی اندازه گیری می شود. جنبه ذهنی به افراد کمک می کند تا تعریفی از هویت، آرمان ها و جهت یابی زندگی شان ارائه کنند و این جنبه زمانی با ارزش است که با شرایط عینی زندگی همراه شود (Shucksmith, 2006).

از سوی دیگر بررسی مفهوم اجتماع به عنوان مفهومی که دربرگیرنده ترکیبی است از عقاید، شرایط،

می کنند؛ مانند تدارکات خدمات بهداشتی، آموزشی، نرخ بیکاری، فعالیت های فراغت یا وضعیت مسکن (احمدی، 1388، 36). این گونه شاخص ها براساس فراوانی یا کمیت فیزیکی اندازه گیری می شوند (رضوانی و منصوریان، 1387، 6). در این دسته از شاخص ها محیط های زندگی و کار افراد و گروه ها توصیف می شود، مانند امکانات بهداشتی، تسهیلات فراغت، مسکن و مانند آن.

لازمه کیفیت زندگی فردی در بعد عینی، تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی جهت برآوردن خواست های اجتماعی شهروندان است (غفاری و امید، 1387، 13). بعد عینی وضعیت ظاهری و ملموس زندگی را نشان می دهد (رضوانی و همکاران، 1387، 37). تصور انطباق عاملی است که می تواند رابطه بین شرایط عینی و ذهنی را تحت تأثیر قرار دهد. اینگلهارت¹ می گوید: «آروزها به طور طبیعی با وضعیت فرد تطابق می یابند و از این طریق سطح رضایت فرد افزایش می یابد». به نظر وی رضایت ذهنی از هر جنبه خاص زندگی بازتاب شکاف بین سطح آرزوهای او و وضعیت عینی وی است. اما سطوح آرزوهای فرد به تدریج با وضعیت او تطابق می یابد (عبدی و گودرزی، 1378). از عوامل دیگری که در رابطه بین شاخص های عینی و ذهنی کیفیت زندگی دخالت می کند، زمینه فرهنگی افراد است که استاندارد مقایسه را در مقابل شرایط عینی اندازه گیری شده، تولید می کند (کوچکی نژاد، 1389، 76).

جنبه عینی کیفیت زندگی به نوبه خود به دو امر دلالت دارد: اول، اوضاع و احوال محیط زیست آدمی همچون آلودگی محیط، مسکن، منابع مالی، تفریحات و مانند آن. دوم، برخی از مشخصات افراد جامعه همچون تندرستی، دستاوردهای آموزشی، انسجام خانوادگی، سلامت روانی و مانند آن (اشرف، 1380، 57).

اولویت‌ها، مناسبات و علائق مشترک، همچنین شبکه‌های ارتباطی که افراد یک اجتماع را به یکدیگر پیوند می‌دهند، ممکن است در مکان به عنوان محل زندگی نیز ریشه داشته باشند. اجتماعات مذهبی و قومی به واسطه فرهنگ و نظام عقاید محدود می‌شوند و اجتماعات حرفه‌ای و دیگر اجتماعات به واسطه علائق، شرایط یا اولویت‌های مشترک به هم پیوند می‌خورند. اجتماعات محلی واحدهایی هستند که در آن برخی از مجموعه‌های ارتباطات همچون پیوندهای اجتماعی (خانوادگی، خویشاوندی، دوستی، همسایگی و مانند آن‌ها)، پیوندهای کارکردی (مانند ارتباطات در تولید، مصرف و جابجایی کالاها و خدمات)، پیوندهای فرهنگی (مانند پیوند در مذهب، سنت یا هویت قومی) یا پیوندهای اقتصادی (مانند ارتباط در پایگاه اقتصادی یا سبک زندگی)، تمرکز می‌یابند. در اجتماع محلی و یا اجتماع علائق، وجود برخی از اشکال ارتباط اشتراکی و جمعی در میان افراد آن مهم است، خواه چنین پیوندی مکان محور باشد یا نه و همین امر است که امکان هویت گروهی و عمل جمعی را فراهم می‌آورد (جباری، 1376، 3). ازرائیل³ و دیگران اجتماع را به عنوان محل یا محدوده‌ای در نظر می‌گیرند که به واسطه عناصری همچون عضویت، احساس هویت و تعلق؛ نظام نمادی مشترک، زبان، شعایر و مراسم مشترک؛ ارزش‌ها و هنجارهای مشترک؛ تأثیر متقابل اعضای اجتماع بر همدیگر؛ نیازها و تعهدات مشترک برای برآوردن آن‌ها؛ و ارتباط احساسی مشترک، متمایز می‌شوند.

اشتراکات اگرچه ممکن است به لحاظ جغرافیایی محدود باشند ولی الزاماً چنین نیست (حسن‌زاده، 1387، 11).

اگر قوم معادل یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگ

پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت شناخته شود که اعتبار و وزانت علمی آن مبتنی بر چند عنصر محوری همچون هویت، اقتصاد، آگاهی و فرهنگ مشترک است (اخوان مفرد و همکاران، 1387، 402)، قومیت عبارت خواهد بود از گروهی که از نظر زیست‌شناسی، حداقل چند نسل پایداری و ماندگاری داشته باشند و از ارزش‌های فرهنگی مشترک و فضای ویژه ارتباطی و کنش و واکنش مخصوص به خود برخوردار باشند و به عنوان واقعیتی جداگانه از دیگر گروه‌ها، خود را بشناسند و دیگران نیز آن‌ها را به این عنوان بپذیرند (نوربخش، 1387، 69).

شاخص‌های عمده قومی - فرهنگی عبارت‌اند از: خودآگاهی قومی، زبان مادری و سرزمین نیاکان. در مورد برخی اقوام ویژگی‌های روانی (حالت‌های روحی)، شیوه زیستن یا گونه معینی از سازمان اجتماعی نیز می‌توانند جزو شاخص‌ها باشند (احمدی پور و همکاران، 1389، 38). بنابراین بین افراد یک قومیت، عواملی وجود دارد که آن‌ها را به همدیگر نزدیک کرده و از مردم سایر اقوام مجزا می‌سازد. نژاد، زبان و فرهنگ، آداب و رسوم و سنن اجتماعی، دین و مذهب، سرزمین مشترک، عامل اقتصادی، اجزای اصلی هویت ملی یا قومی را تشکیل می‌دهند (اخوان مفرد و همکاران، 1387، 404 و 405).

هویت قومی به سنت فرهنگی مشترک و احساس هویتی گفته می‌شود که یک قوم را به عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگ‌تر متمایز می‌کند. اعضای هر گروه قومی از لحاظ ویژگی‌های خاص قومی - فرهنگی از سایر اعضای جامعه، خود را متمایز می‌دانند (احمدی پور و همکاران، 1389، 39). به عبارت دیگر هویت قومی که آن را از اقوام دیگر متمایز می‌نماید، همان منش خاص فرهنگی مشترک یعنی مجموعه باورها، رفتارها و آیین‌هاست که می‌توان آن را به عنوان ویژگی خاص

جامعه متشکل از 18515 نفر در قالب 3712 خانوار (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، 1385) می‌باشند. جامعه مورد مطالعه به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نسبتاً همگون هستند. برای تعیین نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد که براساس آن ابتدا روستاهای دهستان (17 روستا) به لحاظ سطح برخورداری با استفاده از مدل پتانسیلی⁴ در سه طبقه برخورداری بالا شامل 6 روستا، برخورداری متوسط شامل 6 روستا و برخورداری پایین شامل 5 روستا قرار گرفتند. انتخاب تعداد روستاها در هر طبقه براساس روش شکست‌های طبیعی⁵ انجام گرفت. سپس از هر طبقه و با توجه به پراکندگی جغرافیایی آنها در سطح دهستان، از طبقه اول و دوم هر یک 3 روستا و از طبقه سوم 2 روستا انتخاب گردید. در مرحله بعد، با استفاده از شیوه درصدی 10 درصد از کل خانوارها به‌عنوان نمونه تعیین شدند. تعداد خانوارها در این 8 روستا 2107 خانوار است (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، 1385). سپس با توجه به تعداد خانوارهای هر روستا، تعداد نمونه‌ها در آنها مشخص شده و در نهایت تکمیل پرسشنامه به‌صورت تصادفی انجام شد. همچنین به‌منظور افزایش سطح تعمیم‌پذیری آماری، حداقل تعداد پرسشنامه در هر روستا 15 نمونه تعیین شد که در روستاهای کوچک با افزودن تعداد، نمونه‌ها به رقم قابل قبول از نظر آماری افزایش داده شد. در نهایت تعداد 228 خانوار به‌عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند.

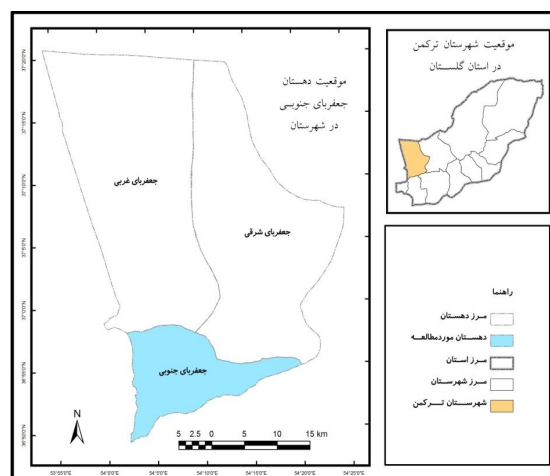
نتایج حاصل از این فرایند با استفاده از نرم‌افزارهای Excel و SPSS و با روش‌های مختلف آماری شامل آزمون T تک نمونه‌ای (داده‌های فاصله‌ای و در یک گروه)، میانگین داده‌ها، همبستگی پیرسون (داده‌های پارامتریک)، آزمون کای اسکوئر (داده‌های

قومی - فرهنگی آنان تلقی نمود. این منش‌های فردی، هویت فردی را تشکیل می‌دهد و مجموعه هویت افراد، هویت گروهی را می‌سازد که از آن احساس وابستگی فرد به قوم یا گروه به وجود می‌آید (نوربخش، 1387، 70).

روش‌شناسی تحقیق

منظور از روش‌شناسی، بیان و ارائه هدفمند اصول و چارچوبی است که راهنمای انجام تحقیق باشد (مهدیزاده، 1382، 15). روش این پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی است. بر این اساس و با تکیه بر مطالعات اسنادی انجام گرفته و نیز مشاهدات اولیه صورت گرفته از ناحیه مورد مطالعه، شاخص‌ها و معیارهای مورد نیاز تحقیق در قالب 8 بعد شامل کیفیت آموزش، کیفیت سلامت و بهداشت، کیفیت امنیت، کیفیت محیط سکونت، کیفیت زیرساخت‌ها، کیفیت اشتغال و درآمد، کیفیت اوقات فراغت و کیفیت تعامل و همبستگی اجتماعی اتخاذ و پرسشنامه مربوط برای جمع‌آوری داده‌های میدانی تدوین شد. پرسشنامه از نوع محقق ساخته با ترکیبی از گویه‌های تحقیقات پیشین که زیر نظر اساتید مجرب انجام گرفته و گویه‌های جدید و متناسب با موضوع تحقیق با بهره‌گیری از نظرات اساتید و متخصصین موضوع تدوین گردید تا روایی پرسشنامه نیز حفظ شود. به عبارت دیگر روایی صوری و محتوایی پرسشنامه تحقیق از طریق مطالعه و بررسی آثار مشابه در زمینه مورد مطالعه (مقالات، پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی) توأم با نظرخواهی از اساتید صاحب‌نظر لحاظ شد. پایایی آن نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ (توسط نرم‌افزار SPSS) به میزان 0/9 به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار بالای پرسشنامه تحقیق است. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق، خانوارهای ساکن در نواحی روستایی دهستان جعفرابای جنوبی شهرستان ترکمن هستند. این

ناپارامتری و برای سنجش تفاوت میان فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار) و آماره تمایل مرکزی میانگین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.



ت 1. موقعیت ناحیه مورد مطالعه.

محدوده مطالعه شده

شهرستان ترکمن واقع در غرب استان گلستان و در ساحل جنوب شرقی دریای خزر با مساحتی در حدود 1576 کیلومترمربع و 123125 نفر جمعیت (مرکز آمار ایران، 1385) دارای دو بخش «مرکزی» و «گمیشان» و سه دهستان به نام‌های جعفری جنوبی (در بخش مرکزی)، جعفری شرقی و جعفری غربی (در بخش گمیشان) می‌باشد. به لحاظ مختصات جغرافیایی، بین مختصات $36^{\circ} 47'$ و $37^{\circ} 20'$ عرض شمالی و $53^{\circ} 53'$ و $54^{\circ} 23'$ طول شرقی محدود شده است. مساحت دهستان جعفری جنوبی به‌عنوان محدوده مطالعه شده، حدود 185 کیلومترمربع است که جمعیتی بالغ بر 18500 نفر (جمعیت روستایی) را در قالب بیش از 3700 خانوار (مرکز آمار ایران، 1385) را در خود جای داده است. محدوده مورد نظر تحقیق، از ویژگی‌های خاص قومی - فرهنگی برخوردار است به‌گونه‌ای که اکثریت

جمعیت آن را قومیتی به نام «ترکمن»ها تشکیل می‌دهند. این قومیت با ویژگی‌های خاص خود از گذشته تاکنون بسیاری از جنبه‌های فرهنگی و سنت‌های خود را حفظ نموده و در مواردی با تغییراتی ظاهری به امروز منتقل کرده است. ترکمن‌ها به علت مراودات فرهنگی - اجتماعی کمتر با سایر اقوام، به نوعی در یک انزوای فرهنگی قرار گرفته‌اند و از این لحاظ قومیتی درون‌گرا محسوب می‌شوند. تأکید بر این ویژگی‌ها یکی از مباحث مهم این تحقیق می‌باشد. بر این اساس در اینجا به بررسی مختصر این ویژگی‌های قومی - فرهنگی این ناحیه می‌پردازیم.

زبان: زبان یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگی و ابزار اصلی ایجاد و پیوند بین فرهنگ‌های بشری بوده و به افراد آن گروه توان برقراری آزادانه ارتباط با یکدیگر را می‌دهد. زبان مردم این دهستان (به جز در دو روستای «زابلی محله علیا» و «زابلی محله سفلی» که به گویش سیستانی تکلم می‌کنند) ترکمنی است از خانواده زبان‌های ترکی محسوب می‌شود. ساختار ایلی: به‌طور کلی می‌توان ساختار اجتماعی سنتی ترکمن‌ها را به صورت نمودار 1 داد:



ن 1. ساختار اجتماعی سنتی ترکمن‌های ناحیه‌ی مورد مطالعه (ماخذ: نگارنده)

ترکمن‌های ایران به دو ایل بزرگ یموت و گوکلان و ایلات کوچک‌تر تکه و نخورلی تقسیم‌بندی می‌شوند. بعد از ایل طایفه قرار دارد. یموت‌ها به دو طایفه بزرگ «جعفری» و «آتابای» تقسیم می‌شوند. در دهستان مورد مطالعه اکثراً افراد ایل یموت و از طایفه جعفری ساکن

یا گونه‌شناسی، این روستاها به صورت مجتمع و متمرکز هستند. همچنین به دلیل نبود محدودیت‌های ژئومورفولوژیکی، فعالیت‌های کشاورزی در آن‌ها بیشتر به چشم می‌خورد.

سکونتگاه‌های روستایی در بین ترکمن‌ها «اوبه» خوانده می‌شود که معمولاً اکثریت جمعیت هر یک از آن‌ها را معمولاً یک یا چند تیره یا شاخه تشکیل می‌دهند. مانند روستای «هاشم‌لی» که اکثراً از شاخه «هاشمن» هستند و نام روستا از همین نام گرفته شده است. بنابراین اکثر این روستاها سکونتگاه طایفه‌ای خاصی محسوب می‌شوند. همین عامل می‌تواند سبب افزایش شدت همبستگی و تعامل اجتماعی بین اهالی هر یک از روستاها شده و به عنوان یک پتانسیل مثبت برای پیشبرد برنامه‌ها و اهداف توسعه روستاها تلقی گردد.

در گذشته یکی از خصوصیات اوبه‌های عشایر ترکمن ناپایداری آن بوده است. این امر مانع از ایجاد دیوار و حریم‌های مشخص در بین منازل است. به طور منطقی بعد از یکجانشین شدن جوامع (روستاها) مانع یاد شده نیز بایستی از بین برود ولی روابط عاطفی عاملی است که از شکل‌گیری دیوار در بین منازل جلوگیری می‌کند. از طرفی الزام ایجاد دیوار زمانی پیش می‌آید که روابط عاطفی کاهش یابد و خانواده‌ها حس کنند که حریم خانه‌هایشان به خطر می‌افتد. لذا در روستاهای قدیمی‌تر که به لحاظ طایفه‌ای همگون‌تر هستند، به ندرت می‌توان شاهد حیات‌های دیوارکشی شده بود. ولی در روستاهای جدیدتری که از این نظر نامتجانس‌تر هستند، دیوارکشی‌ها بیشتر نمایان می‌شود.

یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از یافته‌های میدانی در هر یک از قلمروهای مورد بررسی در جداول اطلاعاتی، محاسبه آمار استنباطی و به کارگیری آزمون‌های مختلف در قالب

هستند. نام این دهستان (جعفربای جنوبی) نیز از نام طایفه ساکنان آن گرفته شده است. در واقع ساکنین اصلی شهرستان ترکمن از ایل یموت و طایفه جعفربای هستند. طوایف نیز به تیره‌های متعددی تقسیم می‌شوند.

دین و مذهب: در دهستان مورد مطالعه دو روستای زابلی محله علیا و سفلی شیعه نشین هستند. به غیر از این دو روستا بقیه روستاها که ساکنین‌شان را ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند، تابع مذهب حنفی از مذاهب چهارگانه اهل سنت هستند. تعصب مردم به لحاظ مذهبی نسبتاً بالا بوده و به احکام مذهبی خود پایبند هستند.

نوع معیشت با تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی: نوع معیشت که در نواحی مختلف، متفاوت است تحت تأثیر عوامل گوناگون محیط طبیعی، درجه برخورداری از تکنولوژی، فرهنگ، سطح آگاهی‌های مردم و مانند آن‌ها قرار دارد. در روستاهای ناحیه مورد مطالعه، شیوه معیشت مردم تغییر یافته است به گونه‌ای که امروزه دامداری به شکل کوچ‌نشینی از میان رفته و به شکل دامداری یکجانشینی تبدیل شده است. می‌توان گفت که امروزه شغل اصلی روستائیان این ناحیه را فعالیت‌های مختلف بخش اول مشاغل یعنی گروه کشاورزی (زراعت، دامپروری و ماهیگیری) تشکیل می‌دهد. شغل عمده اهالی روستاهای سواحل دریا ماهیگیری است. قالی‌بافی نیز از جمله هنرهای دستی در بین زنان و دختران ناحیه به شمار می‌رود.

معیشت اهالی روستاهای غیر ساحلی ناحیه نیز عمدتاً زراعت توأم با دامپروری است که گندم، جو و کلزا محصولات اصلی آن را تشکیل می‌دهد و گاو و گوسفند به همراه شتر (در مقیاس کوچک) دام‌های عمده را تشکیل می‌دهد.

ویژگی‌های سکونتگاه‌های روستایی ناحیه: به طور کلی روستاهای این ناحیه از نظر پراکندگی جغرافیایی از یک پراکنش نسبتاً منظم برخوردارند و از نظر مورفولوژی

دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های تحلیلی ارائه شده است.

الف) یافته‌های توصیفی

پاسخ‌گویان به پرسشنامه‌های این تحقیق به لحاظ سنی در طیف 18 تا 75 سال بوده‌اند. بنابراین از رده‌های مختلف سنی در جمع‌آوری میدانی این نمونه‌گیری شد. ضمناً میانگین سنی آنان نیز 35 سال است که 85 درصدشان مرد هستند. البته شرایط فرهنگی حاکم بر ناحیه سبب این ناهمسانی اجباری در انتخاب جنسیت پاسخ‌گویان بوده است. تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که سطح تحصیلات بیشترین تعداد پاسخ‌گویان دیپلم است. در کنار این، سطح تحصیلات یک چهارم پاسخ‌گویان نیز در حد راهنمایی است. از آمار حاصله چنین برمی‌آید که سطح سواد ناحیه نسبتاً متوسط است. به لحاظ وضعیت اشتغال نیز پاسخ‌گویان به 5 دسته شامل بیکار، کشاورز و دامدار، کارمند، آزاد و سایر تقسیم شدند. بیشترین افراد نمونه‌گیری شده با 35 درصد در دسته مشاغل آزاد قرار دارند که شامل کاسبان، رانندگان، صیادان رسمی و مانند آن‌ها می‌شود.

دسته شغلی دوم مربوط به کشاورزان و دامداران با 19 درصد است.

مشاغل آزاد عمدتاً جزء مشاغل خدماتی محسوب می‌شوند. بالا بودن نسبت آن‌ها می‌تواند بیانگر این مسئله باشد که به علت کاهش ظرفیت مشاغل کشاورزی، بسیاری از جمعیت فعال (عمدتاً جوان) به سمت مشاغل خدماتی روی آورده‌اند.

برای سنجش میزان درآمد، درآمد کلی خانوارها ملاک عمل قرار گرفت و بر مبنای آن، پاسخ‌گویان به 4 طبقه درآمدی تقسیم شدند. نتایج نشان می‌دهد که 60 درصد آن‌ها دارای درآمدی بین 2/5 تا 5 میلیون ریال در ماه هستند، البته همان‌طور که بیان شد، این میزان درآمد مربوط به خانوار است که براین اساس آن‌ها تا 3 نفر شاغل دارند. در بیش از نیمی از خانوارها فقط یک نفر به فعالیت درآمدزا اشتغال دارد. در کنار آن، 32 درصد نیز دارای 2 نفر شاغل در خانوار بوده‌اند.

در ادامه به بررسی هر یک از قلمروهای 8 گانه کیفیت زندگی پرداخته شد. براساس نتایج حاصل، در شش قلمرو همبستگی اجتماعی، امنیت، محیط سکونت، سلامت و بهداشت، زیرساخت‌ها و آموزش، کیفیت زندگی بالاتر از حد میانگین ناحیه است اما در دو قلمرو گذران اوقات فراغت و اشتغال و درآمد، سطح کیفیت زندگی پایین‌تر از حد میانگین ناحیه به‌دست آمد.

قلمرو	ارزش T (میانگین نظری)	انحراف از میانگین	مقدار T	سطح معناداری	درجه آزادی	میانگین	سطح کیفیت قلمرو
کیفیت آموزش	21	4/23	5/46	0/000	225	22/54	بالا
کیفیت سلامت و بهداشت	18	3/72	8/37	0/000	220	20/1	بالا
کیفیت امنیت	15	3/2	16/65	0/000	227	18/53	بالا
کیفیت محیط سکونت	24	4/33	14/29	0/000	225	28/12	بالا
کیفیت زیرساخت‌ها	36	7/4	6/92	0/000	155	40/1	بالا
کیفیت اشتغال و درآمد	27	5/05	-10/71	0/000	224	23/39	پایین
کیفیت اوقات فراغت	18	3/32	-7/28	0/000	225	16/39	پایین
کیفیت تعامل و همبستگی اجتماعی	27	4/76	24/1	0/000	221	34/69	بالا
میانگین نهایی	186	24/34	6/31	0/000	140	201/94	بالا

ج 2. نتایج آزمون T قلمروهای هشتگانه کیفیت زندگی.

ماخذ: پرسشنامه میدانی

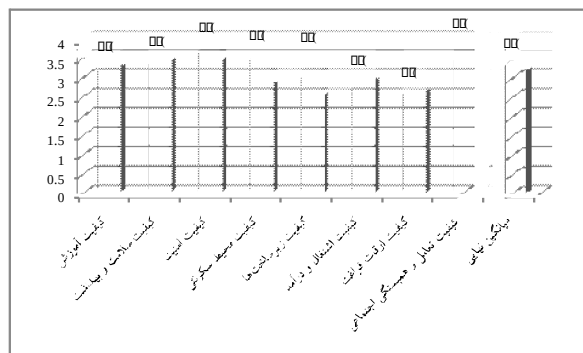
توافق این ویژگی‌ها را از دید جامعه مورد مطالعه سنجید. یافته‌های مستخرج از جداول کای اسکور وجود این توافق را در جامعه مورد مطالعه تایید می‌کند. این یافته‌ها نشان داد که در همه گویه‌های مورد سنجش قرار گرفته، پاسخ‌ها در سطح اطمینان 0/99 معنادار بوده است.

ردیف	گویه‌ها	میانگین نظری	میانگین پاسخ‌ها
1	پابندی اهالی روستا به آداب و رسوم قومی و مذهبی	3	3/84
2	احساس بهتر به خاطر زندگی در میان افراد هم‌زبان و هم‌فرهنگ	3	4/06
3	میزان آشنایی مردم روستا با سنت‌ها و فرهنگ قومی	3	3/82
4	میزان پابندی مردم روستا به سنت‌ها و فرهنگ قومی	3	4/28
5	میزان پابندی مردم به اصول و احکام مذهبی	3	4/15
6	ضرورت ایجاد مرکز آموزش شعر، ادبیات، فرهنگ و موسیقی بومی (ترکمن)	3	3/62
-	میانگین نهایی	3	3/96

ج 3. نتیجه پاسخ‌های مولفه ویژگی‌های قومی - فرهنگی. مأخذ: محاسبات پرسشنامه میدانی

همان‌طور که جدول 3 نشان می‌دهد، میانگین پاسخ‌ها در همه گویه‌های مربوط به ویژگی‌های قومی - فرهنگی بالاتر از 3/6 ارزیابی شده است. میانگین کلی این شاخص نیز 3/96 به‌دست آمده است که نشان می‌دهد ویژگی‌های مورد بحث در میان پاسخ‌گویان در سطح بالایی قرار دارد. از آنجا که معیار تصمیم‌گیری حاصل شده کمتر از 0.01 است، معناداری میانگین آزمون T نیز این امر را تأیید می‌کند (جدول 5).

در نهایت با بررسی تمامی قلمروهای مورد بحث، در سطح معناداری 0/01، میانگین کیفیت زندگی براساس شاخص T معادل 201/94 به‌دست آمد که با توجه به میانگین نظری 189 در سطح بالا ارزیابی می‌شود. همچنین، میانگین پاسخ‌ها در طیف پنج گزینه‌ای پرسشنامه نیز در نهایت 3/6 به‌دست آمد.



ن 2. مقایسه میانگین پاسخ‌های قلمروهای کیفیت زندگی.

بحث دیگری که مورد بررسی قرار گرفت، ویژگی‌های قومی - فرهنگی پاسخ‌گویان است. این موضوع با استفاده از شش گویه سنجیده شده است. جداول حاصله نشان می‌دهد که میزان آشنایی، نفوذ و پابندی این ویژگی‌ها در بین مردم بالا است. به طوری که میانگین کلی گویه‌ها نزدیک 4 به‌دست آمده است.

ب) یافته‌های تحلیلی

ابتدا برای درک ویژگی‌های قومی - فرهنگی ناحیه مورد مطالعه، 6 گویه از جدول 3 با استفاده از آمار استنباطی و به‌کارگیری میانگین و آزمون T و در نهایت استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا برای تعیین میزان همگونی نسبی و توزیع پاسخ‌ها بین پاسخ‌گویان، آزمون کای اسکور مورد استفاده قرار گرفت تا بتوان توافق یا عدم

گویه ها		تعداد	درصد	ن	ت	ز	ب	ر
پایبندی اهالی روستا به آداب و رسوم قومی و مذهبی		تعداد	7	9	49	112	51	228
		درصد	3/1	3/9	21/5	49/1	22/4	100
احساس بهتر به خاطر زندگی در میان افراد هم زبان و هم فرهنگ		تعداد	4	8	38	98	79	227
		درصد	1/8	3/5	16/7	43/2	34/8	100
میزان آشنایی مردم روستا با سنت ها و فرهنگ قومی		تعداد	6	28	54	96	42	226
		درصد	2/7	12/4	23/7	42/5	18/6	100
میزان پایبندی مردم روستا به سنت ها و فرهنگ قومی		تعداد	5	12	53	104	52	226
		درصد	2/2	5/3	23/5	46/0	23/0	100
میزان پایبندی مردم به اصول و احکام مذهبی		تعداد	1	4	2	104	96	227
		درصد	0/4	1/8	0/9	45/8	42/3	100
ضروری بودن ایجاد مرکزی برای آموزش شعر، ادبیات، فرهنگ و موسیقی بومی (ترکمن)		تعداد	8	7	31	77	104	227
		درصد	3/5	3/1	13/7	33/9	45/8	100

ج 4. توزیع نسبی پاسخ در گویه های مؤلفه ویژگی های قومی - فرهنگی.

ماخذ: محاسبات انجام شده بر روی داده های میدانی.

موضوع	ارزش T (میانگین نظری)	انحراف از میانگین	مقدار T	سطح معناداری	درجه آزادی	میانگین
ویژگی های قومی - فرهنگی	18	3/35	25/64	0/000	223	23/74

ج 5. نتیجه آزمون T شاخص ویژگی های قومی - فرهنگی.

ماخذ: محاسبات انجام شده بر روی داده های میدانی.

وجود 0/99 سطح معناداری در آزمون پیرسون، نشان دهنده وجود رابطه معنادار میان قلمرو کیفیت سلامت و بهداشت با ویژگی های قومی - فرهنگی است. همچنین قلمروهای کیفیت محیط سکونت و کیفیت امنیت نیز در همبستگی پیرسون دارای سطح 0/99 رابطه معنادار با این مؤلفه است. علاوه بر آن، آزمون پیرسون نشان داد که مؤلفه ویژگی های قومی - فرهنگی دارای

در ادامه، رابطه بین هر یک از قلمروهای کیفیت زندگی با ویژگی های قومی - فرهنگی توسط آزمون همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که به تفصیل شرح داده شده است. در قلمرو کیفیت آموزش، سطح معناداری 0/95 در همبستگی پیرسون وجود دارد که نشان می دهد رابطه معناداری میان این قلمرو و ویژگی های قومی - فرهنگی وجود دارد.

رابطه معناداری با قلمروهای کیفیت زیرساخت‌ها و کیفیت اشتغال دارد که در سطح 0/99 ارزیابی شده است. اما هیچ رابطه معناداری میان این مؤلفه با قلمرو کیفیت اوقات فراغت مشاهده نشد. این رابطه در مورد قلمرو کیفیت تعامل و همبستگی اجتماعی معنادار است که سطح آن 0/99 می‌باشد.

در نهایت، جدول 6 نتیجه آزمون همبستگی پیرسون بین شاخص ویژگی‌های قومی - فرهنگی با قلمروهای کیفیت زندگی را نشان می‌دهد که به جز با قلمرو کیفیت اوقات فراغت، با بقیه قلمروها دارای ارتباط معنادار و قوی است.

این تفاسیر بیان‌گر آن است که ویژگی‌های قومی - فرهنگی عاملی مؤثر در سطح شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی است. بنابراین می‌توان پذیرفت که سطح کیفیت زندگی روستائیان از نظر شاخص‌های ذهنی در محدوده مورد مطالعه با ویژگی‌های خاص قومی - فرهنگی، رابطه معناداری دارد.

این تفاسیر بیان‌گر آن است که ویژگی‌های قومی - فرهنگی عاملی مؤثر در سطح شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی است. بنابراین می‌توان پذیرفت که سطح کیفیت زندگی روستائیان از نظر شاخص‌های ذهنی در محدوده مورد مطالعه با ویژگی‌های خاص قومی - فرهنگی، رابطه معناداری دارد.

قلمروها	ویژگی‌های قومی - فرهنگی		
	همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد
کیفیت آموزش	0/166 (*)	0/014	222
کیفیت سلامت و بهداشت	0/287 (**)	0/000	218
کیفیت امنیت	0/278 (**)	0/000	224
کیفیت محیط سکونت	0/267 (**)	0/000	222
کیفیت زیرساخت‌ها	0/381 (**)	0/000	152
کیفیت اشتغال و درآمد	0/177 (**)	0/008	221
کیفیت اوقات فراغت	0/005	0/938	222
کیفیت تعامل و همبستگی اجتماعی	0/613 (**)	0/000	218
میانگین نهایی	0/342 (**)	0/000	138

ج 6. نتیجه آزمون همبستگی پیرسون بین شاخص ویژگی‌های قومی - فرهنگی با قلمروهای کیفیت زندگی.

ماخذ: محاسبات انجام شده بر روی داده‌های میدانی.

نتیجه

اصلی ترین طبقه بندی که در بحث کیفیت زندگی همواره مورد توجه بوده، طبقه بندی آن به رویکردهای ذهنی و رویکردهای عینی است. به طور کلی رویکردهای ذهنی با طرز تلقی و ذهنیت مردم از زندگی شان سروکار دارد و رویکردهای عینی با آنچه که در محیط اطراف به صورت کمیت قابل اندازه گیری اند.

با توجه به اینکه عوامل اجتماعی، فرهنگی و محیطی در کیفیت زندگی اثرگذارند، در جوامع مختلف سطوح متفاوتی از شاخص های ذهنی کیفیت زندگی وجود دارد. محدوده مطالعه شده در این تحقیق از جوامع خاص قومی - فرهنگی کشور یعنی قوم ترکمن است که از گذشته در این ناحیه زندگی کرده اند. ترکمن ها در سیر تاریخی سکونت خود این ناحیه، بسیاری از ویژگی های قومی - فرهنگی خود را حفظ و به نسل های امروز منتقل کرده اند. از لحاظ وضعیت معیشت و به لحاظ آماری روستاهای این ناحیه ویژگی برتری نسبت به بسیاری از روستاهای سایر نواحی کشور ندارد و چه بسا سطح امکانات پایین تری نیز دارد اما وجود فرهنگ سنتی قوم ترکمن با ویژگی های خاص اجتماعی، مذهبی و معیشتی خود این کمبودها را کمرنگ تر می کند. این امر به ویژه در میان نسل گذشته و میان سال جامعه مشخص تر است. اگرچه در میان نسل جوان نیز قابل مشاهده است. به طور مثال داشتن احساس بهتر به خاطر زندگی در میان افراد هم زبان و هم فرهنگ با وجود کمبودهای اقتصادی و امکانات در میان درصد بالایی از پاسخ گویان وجود دارد. فرهنگی که با ویژگی هایش مردم به آن پایبندند و خود را ملزم به آشنایی و ترویج آن می دانند. ابعاد مختلف این فرهنگ تلفیقی از سنن و رسوم قومی و آداب مذهبی است که با زندگی مردم عجین شده است. یعنی مردم در باور خود زندگی نسبتاً مطلوبی دارند و رسیدن به سطوح

بالا تر رفاه را عموماً مستلزم دور شدن از باورها و ویژگی های قومی - فرهنگی خود می دانند. به عبارت دیگر بر خلاف نتایج محققین دیگر به ویژه قالیباف و همکاران در مورد نارضایتی ساکنین مناطق مرزی از شاخص های منتخب و مرتبط با کیفیت زندگی، نتایج این بررسی نشان داد که سطح کیفیت زندگی از نظر شاخص های ذهنی در این ناحیه بالا بوده و رابطه معناداری با ویژگی های قومی - فرهنگی مردم آن دارد. در عین حال، نتایج این تحقیق با یافته های رضوانی و منصوریان در مورد اینکه کیفیت زندگی در هر زمان تابعی از اهمیت نیازها برای هر فرد یا گروه بر حسب سهم نسبی آن در بهزیستی ذهنی فرد و میزان برآورده شدن نیازهای انسانی است و نیز نتایج تحقیق عبدالحکیم اسلامی مبنی بر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین میزان سرمایه اجتماعی ساکنین و میزان کیفیت زندگی آنها و تأثیر بهبود در سرمایه اجتماعی در ارتقای کیفیت زندگی مردم محلی، انطباق دارد.

بنابراین می توان چنین گفت که هر چه میزان نفوذ ویژگی های قومی - فرهنگی در بین ترکمن های ناحیه مورد مطالعه و پایبندی به آنها بیشتر باشد، میزان رضایت آنها از سطح کیفیت زندگی شان در شاخص های ذهنی بالاتر است. به طوری که به اعتقاد تعدادی از پاسخ گویان که در ضمن مصاحبه مطرح می کردند، کاهش آشنایی و پایبندی به این ویژگی ها سبب افزایش نارضایتی افراد از سطح کیفیت زندگی شان شده است.

پی نوشت

1. Inglehart
2. Fahey
3. Israel

4. با توجه به اینکه هر یک روستاهای واقع در محدوده مطالعه شده به لحاظ امکانات و زیرساخت ها با یکدیگر متفاوتند، با

- خوارزمی، شهیندخت. (1383)، کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران 2، تهران، شبکه فن آوری اطلاعات ایران.
- رضوانی، محمدرضا؛ منصوریان، حسین. 1387، سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص ها، مدل ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصل نامه روستا و توسعه، سال یازدهم، شماره 3، صص 1 تا 26.
- رضوانی، محمدرضا؛ شکبیا، علیرضا؛ منصوریان، حسین. 1387، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، فصل نامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره 30 و 31، صص 59-35.
- عبدی، عباس؛ گودرزی، محسن. 1378، تحولات فرهنگی در ایران، انتشارات روش، تهران غفاری، غلامرضا؛ امیدی، رضا. 1387، کیفیت زندگی در برنامه های عمرانی و توسعه ایران، فصل نامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره 30 و 31، پاییز و زمستان، صص 9-33.
- کلاتری، خلیل. 1387، پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی، چاپ سوم، انتشارات فرهنگ صبا، تهران.
- کوچکی نژاد، فاطمه. 1389، بررسی و سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی بخش مرکزی کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- مختاری، مرضیه؛ نظری، جواد. 1389، جامعه شناسی کیفیت زندگی، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول، تهران.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1385.
- منصورفر، کریم. 1387، روش های پیشرفته آماری همراه با برنامه های کامپیوتری، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مهدوی، مسعود؛ طاهرخانی، مهدی. 1383، کاربرد آمار در جغرافیا، انتشارات قومس، تهران.
- مهدیزاده، جواد. 1382، برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران، چاپ اول، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران، تهران.
- نصیری، رسول. 1387، آموزش گام به گام SPSS، انتشارات نشرگستر، تهران.
- نوربخش، یونس. 1387، فرهنگ و قومیت مدلی برای ارتباطات فرهنگی در ایران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره 4، زمستان، صص 67 تا 78.
- Auh, S., & Cook, C.C. (2009), Quality of Community Life Among rural Residents: An

استفاده از مدل پتانسیلی به سطح بندی برخورداری در سطح این دهستان پرداخته ایم. یکی از ضرورت های انجام این سطح بندی به دلیل انجام نمونه گیری در جامعه آماری است. به ویژه اینکه این منطقه به لحاظ ویژگی های طبیعی از جمله توپوگرافی و اقلیم فاقد تنوع بوده و همگون می باشد. به همین جهت برای طبقه بندی روستاها، به نظر محققین بهترین شیوه استفاده از مدل های سطح بندی برخورداری تشخیص داده شد.

5. Natural Brakes

فهرست منابع

- احمدی، فاطمه. 1388، ارتقاء روستا به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مورد: روستا- شهر صاحب شهرستان سقز)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- احمدی پور، زهرا؛ حیدری موصول، طهمورث؛ حیدری موصول، طیه. 1389، تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران جهت امنیت پایدار، فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان، صص 335 تا 62.
- اخوان مفرد، حمیدرضا؛ هندیانی، عبدالله؛ زینال نژاد، حسن. 1387، بررسی راه های همگرایی قومیتی با تأکید بر اقوام ترک، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان، صص 399 تا 415.
- اشرف، احمد. 1380، نگرشی در مفهوم کیفیت زندگی و اجزای آن، فصل نامه مددکاری اجتماعی، شماره 5، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- اونق، نازمحمد. 1384، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهر گنبد کاووس)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- جباری، حبیب. 1376، نگرش جامعه شناختی به جابجایی مردم در بهسازی بافت های شهری، مجموعه مقالات همایش تخصصی بافت های شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان ملی زمین و مسکن، صص 149-160، تهران.
- حسن زاده، داود. 1387، رویکرد اجتماع محور به کیفیت زندگی اجتماعات محلی، فصل نامه مدیریت شهری، شماره 20، تابستان، صص. 7-22، تهران.

- Integrated Model. Social Indicators Research, 94(3), pp.377-390.
- Biderman, A. D. (1974), Social indicators. In Robert L. Clewett & Jerry C. Olson (Eds.) whence and whither in social indicators and marketing (pp.27-44), Chicago: American Marketing Association.
 - Shafer, C.S., Koo Lee, B., Turner, S. (2000), A tale of three greenway trails: user perceptions related to quality of life. Landscape Urban Plann. 49, pp.163-178.
 - Lynn Sharkey, Jennifer (2009), Evaluation of Performance Measures For Economic Development And Quality of Life in Rural Indiana Counties, Master of Science Thesis, Purdue University Graduate School.
 - Shucksmith, Mark, Stuart Cameron, Tanya Merridew (2006), First European Quality of Life Survey: Urban – rural differences University of Newcastle upon Tyne, Florian Pichler, University of Aberdeen: Institute for Advanced Studies, Vienna,.
 - Van Kamp, Irene et al. (2003), “Urban environmental quality and human well-being Toward a conceptual framework and demarcation of concepts: a literature study” Landscape and Urban Planning 65, pp. 5-18.

-